

## Reflection of the Religious Approach in the Historiography of the Holy Prophet by Motahhar ibn Taher Moghaddisi

Shahla Bakhtiari<sup>1</sup>, Tahereh Nazari Ilkhani Abadi<sup>2</sup>

1. Corresponding Author, Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran. Email: [sh.bakhtiari@alzahra.ac.ir](mailto:sh.bakhtiari@alzahra.ac.ir)

2. PhD Student, Department of History, Faculty of Literature, Lorestan University, Khorramabad, Iran. Email: [taherehnazari@yahoo.com](mailto:taherehnazari@yahoo.com)

### Article Info

#### Article type:

Research Article

#### Article history:

Received 3 October 2023

Received in revised form

13 November 2023

Accepted 31 January 2024

Available online

26 December 2025

#### Keywords:

Motahhar ibn Taher

Moghaddisi,

Religious approach,

Divine providence,

Human will and free will.

### ABSTRACT

The fourth century was a time of awakening, and fruitfulness of ideas. In line with this important thought, the book of Motahhar ibn Tahir Moghaddisi (355 AH/966 AD) in his book *Al-Bida wal-Tarikh* is also of great importance due to its new topics and as one of the most important texts of Islamic historiography. Moghaddisi's interest in religion and the dominance of this interest in his intellectual system have created approaches in Moghaddisi's historical vision, which can be referred to as the Sharia-oriented vision. This issue has been worth considering for Moghaddisi from several aspects; one is from the perspective of the conditions of Moghaddisi's era and the other is his deep knowledge of religious anthropology. In Moghaddisi's view, there is a relationship between the Sharia-based vision and the perspective of divine providence, but this relationship did not cause him to make the providential perspective dominate historiography. In describing and explaining events, Moghaddisi was able to adjust and combine the horizons of these two visions by applying reason and a causal and critical approach. He combines divine providence and human will in history and follows these two in parallel with less ups and downs. Moghaddisi has formed his modern Sharia vision with two intra-religious perspectives in the shadow of his religious identity, with a jurispudent and ruling-oriented perspective, and also with an extra-religious perspective. In this research, the aim is to explain the type of influence of the historian's religious affiliations and tendencies on his method through a descriptive-analytical method.

**Cite this article:** Bakhtiari, Sh., Nazari Ilkhani Abadi, T. (2025). Reflection of the Religious Approach in the Historiography of the Holy Prophet by Motahhar ibn Taher Moghaddisi. *Historical Studies of the Islamic World*, 13 (36), 22-43.

<https://doi.org/10.22034/mte.2024.15180.1685>



© The Author(s).

Publisher: Al-Mustafa International University.

DOI: <https://doi.org/10.22034/mte.2024.15180.1685>

## بازتاب رویکرد دین باورانه در تاریخنگاری مطهرین طاهر مقدسی

شهلا بختیاری<sup>۱</sup>، و طاهره نظری ایلخانی آبادی<sup>۲</sup>

۱. نویسنده مسئول، دانشیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات دانشگاه الزهراء (س) تهران، ایران.

رایانامه: [sh.bakhtiari@alzahra.ac.ir](mailto:sh.bakhtiari@alzahra.ac.ir)

۲- دانشجوی دکتری گروه تاریخ، دانشکده ادبیات دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

رایانامه: [tahherehnazari@yahoo.com](mailto:tahherehnazari@yahoo.com)

### چکیده

سده چهارم زمانه‌ی برانگیختگی، بیداری و بارآوری اندیشه‌ها بود، همسوی با این مهم اندیشه، مطهرین طاهر مقدسی (۱۳۵۵/۵۶۶م)، در کتاب البدء و التاریخ نیز به خاطر طرح مباحث نوین و به عنوان یکی از مهم‌ترین متون تاریخ نگاری اسلامی از اهمیتی درخور برخوردار است. علاقه مقدسی به دین و سیطره این علاقه بر منظومه فکری او رویکردهایی را در بینش تاریخی مقدسی پدید آورده است، که می‌توان از آن باعنوان بینش شریعتمدارانه یاد کرد. این موضوع برای مقدسی از چند جنبه قابل تأمل بوده است؛ یکی از منظر شرایط عصر مقدسی و دیگری شناخت عمیقی که وی از انسان شناسی دینی دارد. در نگاه مقدسی بین بینش شریعتمدارانه و نگرش مشیت الهی رابطه وجود دارد اما این رابطه موجب نشده تا وی نگرش مشییتی را بر تاریخ نگاری مسلط گرداند، مقدسی در توصیف و تبیین رویدادها توانسته افق‌های این دو بینش را با کاربست عقل و رویکرد علی و انتقادی تعدیل و به هم بیامیزد. او مشیت الهی و اختیار انسانی را در تاریخ جمع و این دو را به موازات هم با فراز و نشیب کمتر دنبال می‌کند. مقدسی با دو نگرش درون دینی در سایه هویت مذهبی خویش، با نگاه فقیهانه و احکام مدارانه و نیز نگرش برون دینی بینش شریعتمدارانه خود را شکل داده است. در این پژوهش، هدف آن است که با روش توصیفی-تحلیلی و شناخت تعلقات و تمایلات دینی و مذهبی مورخ، نوع اثرگذاری آن در روش وی تبیین شود.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۸/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۵

### کلیدواژه‌ها:

مطهرین طاهر مقدسی،  
رویکرد دین باورانه،  
مشیت الهی،  
اراده و اختیار انسانی.

**استناد:** بختیاری، شهلا؛ و نظری ایلخانی آبادی، طاهره (۱۴۰۴). بازتاب رویکرد دین باورانه در تاریخنگاری مطهرین طاهر مقدسی.

<https://doi.org/10.22034/mte.2024.15180.1685>، ۲۲-۴۳، (۳۶)، ۱۳، *مطالعات تاریخی جهان اسلام*.



© نویسندگان.

ناشر: جامعة المصطفی (ص) العالمیه.

## مقدمه

آثار تاریخی در هر دوره از تاریخ بیانگر تفکر غالب بر بخش اعظم جامعه و در نتیجه چگونگی نگرش به وقایع تاریخی آن دوره و دوره های پیشین است. جامعه اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. کمتر دوره ای از تاریخ ایران پس از اسلام همچون سده چهارم، به داشتن این همه از ناموران دانش و ادب ممتاز است: ابو حیان توحیدی مقاله نویس و ادیب، ابن ندیم، صاحب بن عباد نویسنده و به روایتی فراهم آورنده کلام معتزله، فارابی بنیاد گذار فلسفه سیاسی، باقلانی متکلم اشعری، ابن سینای فیلسوف و گروه اخوان الصفا در بغداد و بصره که رسائل آنان مرکب از پنجاه و یک گفتار در زمینه های گوناگون دانشهای نظری و عملی، نخستین دائرة المعارف تاریخ اسلام و شاید جهان به شمار است از این نمونه هستند. در حوزه تاریخ و تاریخنگاری نیز همچون سایر ارکان حیات اجتماعی خود دستخوش دگرگونی هایی است. در این دوران حیات عقلانی جدیدی برای مسلمانان پدیدار شد. در جهان اسلام متفکران و مورخان مسلمانی جلوه کردند. از میان مورخان نیز مسعودی، یعقوبی، ابن مسکویه، بیرونی و مقدسی را می توان نام برد. یکی از این آثار کتاب البدء والتاریخ اثر مطهر بن طاهر مقدسی می باشد که حاصل شکوفایی و اعتلای عقلی در میان مسلمانان قرن چهارم است. مقدسی در کتابش پیوسته بر آن است تا از شرع دفاع کند و با بدعت و ضلالت به نبرد بپردازد. محققان از زاویه های متعددی به البدء و التاریخ پرداخته و درباره ی آن نوشته اند. برخی به روش مولف پرداخته و گاه آن را به نقد کشیده اند (نک. مصطفی شاکر ۱۹۷۹). محمد احمد ترحینی (۱۹۹۶ م)، فراتس روزنتال (۱۳۸۵)، فواد سزگین (۱۴۱۲ ه. ق) و عبدالله جبوری (۱۳۸۵ ه / ۱۹۶۵ م). دسته ی دیگر پژوهش های زیست نامه ای و نسخه شناختی است که به منزله ی مقدمه برای چاپ البدء والتاریخ ترجمه ی آن نوشته شده اند (نک. مقدمه ی شفیعی کدکنی، کارل بروکمان (بی تا)، یوسف الیان سرکیس (۱۴۱۰)، عمر رضا کحاله (۱۹۵۷) و خیرالدین زرکلی (۱۹۸۶). برخی هم به برخی امباحث مطرح شده به دست مقدسی اشاره کرده اند (احسان یارشاطر، بازورث و دیگران (۱۳۸۱)، محمد تقی بهار (۱۳۸۰)، آلدومیه لی (۱۳۷۹)، جعفریان (۱۳۷۶)، کریستن سن (۱۳۶۳)، مهرداد بهار (۱۳۴۵)، جورج ساتون (۱۳۸۳)، شفیعی کدکنی (۱۳۸۶)، کرولوفونسو نلینو (۱۳۷۷) و هیلنز (۱۳۸۳). نیز شامل مقاله هایی است که به صورت مختصر به تاریخ نگاری وی پرداخته اند (نک. M. morony (۱۹۸۹). فائزه تولابی (مرداد ۱۳۸۷) علی اصغر فقیهی (۱۳۷۵)، محمد کرد علی (۱۳۲۶)، مسعود رضوی (۱۳۷۴)، شهلا بختیاری (۱۳۸۵)، سید ابو الفضل رضوی (۱۳۸۵) نیز گفتنی است در مقاله خود در پرداختن به مقدسی که بعدها به کتاب تبدیل شده در سطح

کلیات حرکت کرده و به صورت موردی دیدگاه‌های مقدسی را ذکر کرده و بیشتر به سیر حاکم بر تاریخ‌نگاری اسلامی با آوردن نمونه‌هایی از چهار تاریخ‌نگار اسلامی نظیر مقدسی پرداخته است.

اما در مقاله پیش‌رو<sup>۱</sup>، با پرداختن به جزئیات با عناوینی نظیر رویکرد درون دینی و برون دینی در پیوند با شریعت و نگاه فقیهانه و احکام مدارانه مقدسی بحث شده، چرا که نگاه فقیهانه مقدسی کمتر مورد توجه بوده است. در ضمن مقاله شهلا بختیاری، طاهره نظری ایلخانی آبادی (۱۳۹۰)<sup>۲</sup> نیز به بینش معرفت‌شناسانه در تاریخ‌نگاری مطهر بن طاهر مقدسی پرداخته است. همچنین در مقاله‌های متاخرتر، صیامیان گرجی و موسوی سیانی (۱۳۹۵) بسیار کامل و دقیق با استفاده از نظریه جوئل کرمر گفتمان، شرایط و بافتار فرهنگی و تاریخی عصر مقدسی را به تصویر کشانده و اشاره می‌کند که اثر مقدسی واکنشی به بروز جریان‌های کلامی و فکری التقاطی عصر نویسنده و زدودن عناصر باطنی و فلسفی از ساحت دین و بازگشت به سنت اصیل اسلامی است. خضریو عبادی و یونس فرهمند (۱۳۹۲) تاکید دارد که مقدسی برای عقل‌نقش‌آزایی در خدمت نص قائل است و نه مستقل از آن و به تردید پیوسته مقدسی بین عقل و نص اشاره دارد. بنابراین با وجود ارزش محتوایی کم نظیر، کتاب از دیدگاه شریعت‌مدارانه که منظور از آن این است که مورخ در رویدادهای تاریخی از زاویه دین تأمل کند - چندان مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است. در این نوشتار کوشش می‌شود با شناخت دیدگاه‌های هستی‌شناسانه و شناخت منظومه فکری مؤلف درباره هستی و اراده حاکم بر آن، دیدگاه دین باورانه او مورد تبیین و تحلیل قرار گیرد.

### حیات فکری مقدسی

ابونصر مطهر بن طاهر مقدسی (سرزگین: ۱۴۱۲ هـ ق ص ۱۸۷ و بروکلیمان: بی تا، ۶۳ و جبوری: ۱۳۸۵ هـ/ ۱۹۶۵ م، ۲). در اوایل قرن چهارم و یا نیمه دوم قرن سوم به سال (۳۵۵ هـ/ ۹۶۶ م) کتاب البدء و التاریخ را تألیف کرده، و احتمالاً در بست سیستان زاده شده است. (زرکلی: ۱۹۸۶: ۲۵۳؛ ثعالبی نیشابوری ۱۳۶۸: ۳۹۳؛ مطهر بن طاهر، مقدسی، بی تا ۲ / ۱۴۹: مقدسی، همان: ۳ / ۱۲۱؛ انصاری، ۱۳۶۲: ۲۷۵؛ حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۳۰). مقدسی از

<sup>۱</sup> این مقاله برگرفته از یکی از مباحث رساله کارشناسی ارشد در دانشگاه الزهرا می باشد.

<sup>۲</sup> لازم به توضیح است که این مقاله نیز برگرفته یکی از مباحث پایان نامه کارشناسی ارشد طاهره نظری ایلخانی آبادی به راهنمایی دکتر بختیاری و در تاریخ ۲۲/۱۲/۱۳۸۹ در دانشگاه الزهرا با درجه عالی دفاع شده است.

استادان بزرگ عصرش در علوم مختلف بهره برده است. که بیشتر اساتید وی از عالمان حدیث بوده اند. (مقدسی: همان: ۵، ۱۹۹/۱) نکته قابل ذکر اینکه، اساتید وی بر مذاهب مختلف بوده اند. ابوالعباس سامری، احمد بن حجاج سجزی، خیثمه بن سلیمان طرابلسی مردی موثق و اهل مذهب تشیع و صاحب کتاب معروف فضائل الصحابه (همان، ۴۸). عبدالرحمان بن احمد مروزی حسن بن هشام، حاتم بن سندی، محمد بن سهل، هارون بن کامل، ابونصر حرشی، احمد بن مالک، ابوجعفر رازی، محمد بن خالویه که میان ایشان انس و الفت برقرار بوده و وی را از علمای حنابله دانسته، که در تجسیم اهل غلو بوده و ابو طالب احمیمی از صوفیان برجسته مصر از جمله استادان وی به شمار می روند (همان، ۱/ ۱۴۸-۱۴۶؛ همان، ۵/ ۱۹۹؛ همان، ۷۱؛ جامی: ۱۳۷۰: ۶۱). درباره‌ی اعتقادات مذهبی وی، به طور آشکار اطلاعاتی در اختیار نیست. اشارات او حاکی از احترام و نیز نقد به تمامی مذاهب اسلامی اعم از مذهب شیعه و مذهب تسنن است. علی رغم اینکه، برخی وی را معتزلی و برخی سنی معتزلی غیر متعصب دانسته اند (کردعلی، همان، ۳۲۰؛ جعفریان، ۱۸۶: ۸۵، ADANG, INBID). با بررسی دقیق و تطبیقی بینش مقدسی در ارائه دیدگاه‌های فرقه مختلف در کتاب ما بدین نتیجه می رسیم که مؤلف در بسیاری از موارد فرا مذهبی به مسائل نگریسته و مذاهب را نقد کرده است. احتمال دارد بتوان مقدسی را به عنوان فردی شیعی معرفی کرد. چرا که وی علاوه بر اساتید مذهب حنبلی از افرادی چون خثیمه بن سلیمان طرابلسی مردی موثق و اهل مذهب تشیع و صاحب کتاب معروف فضائل الصحابه تلمذ نموده است. با توجه بدین اشارات، مؤلف در تفکر کلامی خویش ضد جبرگرایی است و این خود یکی از نشانه‌هایی است که او را به قلمرو شیعی نزدیک می کند. در عین حال نباید گرایشهای ضد باطنی وی را از نظر دور داشت (همان، ۵/ ۴۵) ضمن اینکه نگرش معادی که مقدسی به جهان دارد و با باورهای شیعی تطبیق دارد.

### اندیشه تکامل تاریخی در گفتمان دینی

در ابتدای امر با پرسشی اینگونه مواجه ایم تکامل تاریخی چیست و عقاید معتقدان بدان کدام است؟ طرفداران تکامل تاریخی می گویند: انسان از تاریخ، هم چون ابزار استفاده می کند اما در گذشته متوقف نمی شود، بلکه به حال جهت می دهد. زندگی همان تاریخ است که ادامه یافته است. پس انسان هرگز نمی تواند حال خویش را بدون گذشته بشناسد و منافی که تاریخ برای هر ملت دارد، در واقع، منافع هر فرد است. کار تاریخ، گره زدن گذشته به حال و حال به آینده است. طرفداران تکامل تاریخ، بزرگترین خطر را برای تاریخ جبرگرایی می دانند و می گویند: باید مفهوم تاریخ را درک کرد (رادمنش، ۱۳۸۷: ۳۲-۲۸). با این مقدمه بایستی بر این نکته مهم و کلیدی

تأکید کرد که در نگرش مقدسی حرکت دورانی در فراز و فرود تاریخ تبدیل به حرکتی خطی در یک مسیر مستقیم می‌شود. تکامل اجتماعی به صورتی خطی و بازگشت ناپذیر به اجل محتوم خود نزدیک می‌شود؛ برخی که رستگاری و ترقی را پدیده‌های چندجانبه با ابعاد اخلاقی و مادی، دنیایی و دینی دیده‌اند بر این نکته اشتراک جمعی دارند که تبیین و شفاف سازی راه تکامل و ترقی و مقدمات آن امری خطیر و مهم است. از نظر او جهش و ترقی و رو به جلو رفتن در تمام ابعاد مادی و دنیوی امری غیر قابل انکاری است چنانکه در ابعاد فرامادی هم ترقی و جهش اتفاق می‌افتد، خبر دادن از روند تاریخ و آینده آن تعارضی با کوشش برای تکامل، پیشرفت و ترقی ندارد، چنانکه علم الهی هم علی‌رغم احاطه به سرنوشت انسانها با اختیار آنها در سازندگی خود تعارض ندارد.

با توجه به این امر اگر بخواهیم نمونه‌هایی از این اندیشه را در تفکر مقدسی بشناسیم می‌توانیم از جوامع و تمدنهای نظیر جامعه حضرت نوح و تمدن‌هایی چون عاد و ثمود را مثال بزیم. که عوامل پیش برنده تمدن در این جوامع اشرافیت، چیرگی سنتها، تقلید از پدران، غلبه سنت بر عقل، ستمکاری در حق مردم، عصیان و... است (مقدسی، همان، ج ۳، ۳۷-۱۵). تمدن، شکل ابتدایی دارد زمین حاصلخیز، پر چراگاه در حالیکه در تمدن نوع دوم تمدن پیشرفته تر شده، مسائل بسیار پیچیده تر است یعنی در مالکیت به جای زمین پرچراگاه از آب نام برده است، از ملک و مالکیت همه زمین‌ها و از ارتش قوی و نیروی نظامی، به عنوان رکن و اتکای دولت سخن گفته است. چنانکه در همین ارتباط فرعون، بنی اسرائیل را به شکنجه‌هایی از قبیل «کشیدن گل و ساختن بناها و کندن ستون‌ها از کوهها در صخره‌ها برای خانه ساختن» سخن می‌گوید (همان، ۸۱-۷۷). زبان شناسی در جوامع ساده و ابتدایی با پیچیده و بزرگ فرق دارد برای نمونه در داستان ثمود به صالح گفتند «اگر از این صخره شتری که پشم داشته باشد و ده ماهه آبستن باشد برای ما بیرون بیاوری به تو ایمان خواهیم آورد و از تو پیروی خواهیم کرد» (همان، ۴۵-۳۷) که این نشانه کم‌خردی و کوته فکری است و با زبان فراعنه و اشرافیت مصر متفاوت است، در تمدن مصریان از کتاب سخن به میان می‌آید. بنابراین، بین معجزات حضرت موسی و تمدن و پیشرفت اندیشه در مصر، سختی برقرار است. مقدسی عنصر زمان را در تحلیل‌های خود وارد کرده است و قوم نوح و ثمود را به لحاظ زمانی بسیار قبل تر از روزگار فرعونان می‌داند و این سیر تکاملی را با ظهور مهدی (عج) می‌داند بنابراین؛ مفهوم تکامل خطی در اندیشه او نمود پیدا می‌کند.

همسو با تکامل تاریخ، رشد اندیشه و پیشرفت تمدن‌ها شریعت نیز تکامل و تعالی یافته‌است.

مقدسی در پرداختن به آیین و شرایع واژه‌هایی را به کار می‌برد که نشان از دید فقهی اوست به عنوان نمونه حج گزاردن یهود که آن را واجب دانسته‌اند و یا واژه نجس برای اموری که از دید اسلام مطلوب نیست به کار برده است (همان، ج ۴، ۳۸). در پرداختن به احکام نصارا می‌گوید ایشان شکر و خوردن گوشت را حرام می‌دانند و هرچه در بازارها به فروش می‌رسد را مباح می‌دانند آنان همان چیزهایی را که مسلمانان حرام می‌دانند حرام کرده‌اند (همان، ج ۴، ۴۸). نقطه عطف بینش او در فصل هفدهم کتاب است وی نگرش اسلام را تکامل و تعالی شرایع و تمدن‌ها دانسته است؛ مقدسی به آداب وضو اشاره دارد که پیامبر (ص) آن را برای مسلمین آورده و ابتدا کم و کیف آن را توضیح می‌دهد و طهارت را کلید نماز قرار داده و با پلیدی‌ها برخورد می‌کند و به مبطلات وضو پرداخته و نماز را خضوع و فروتنی و یادکرد حالتی که به نیکی فرا می‌خواند دانسته، حتی به نماز نافله اشاره دارد. در ادامه به زکات پرداخته و فرض شدن آن را در سوره براءت آورده است. وی روزه و حج را بزرگترین پیمان‌های خدا بر بندگان و برهنه شدن در حج را نشانه فروتنی بنده در برابر پروردگار دانسته و به رمی جمره نیز توجه دارد. زناشویی طلاق و میراث واژه‌هایی هستند که از دید او پنهان نمانده است در ادامه به سنت‌های دهگانه و حرام بودن برخی مسائل از قبیل حرام بودن مردار و خون پرداخته و حرام بودن آنها را حکمت‌هایی می‌داند که تنها خداوند از آن باخبر است (همان، ج ۵، ۵۵-۴۶). در بیان مصادیق مربوط به تمدن‌ها این تکامل تدریجی با آمدن پیامبران اولوالعزم و در ادامه با ظهور مکتب اسلام به مثابه شریعت آینده‌ی تاریخ رو به تکامل نهایی نهاده است. از دید مقدسی زمان ظهور اسلام اندیشه رشد یافته را باید از کتاب آسمانی قرآن، استنتاج و استخراج کرد؛ یعنی دو اصل اندیشه و کتاب، روند تکاملی تاریخ به سوی آینده‌اند، امری که ما به وضوح و به کرات در نوشته‌های مقدسی بدان برمی‌خوریم. برای نمونه فصل‌هایی از کتاب را به پیامبر اکرم (ص) و یاران ایشان و استفاده از آیات و اشعاری نظیر اشعار حسان بن ثابت که می‌گوید: «تَاللَّهِ مَا حَمَلْتُ أُنتَى وَلَا وَضَعْتُ / مَثَلُ النَّبِيِّ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ الْهَادِي / وَلَا بِيِ اللَّهِ خَلْقًا مِنْ خَلَائِقِهِ / أَوْفَىٰ بِذِمَّةِ جَارٍ أَوْ بِمِيعَادٍ» (همان، ج ۵، ۲) اختصاص داده‌است. پس با این اوصاف روند روبه تصاعد تاریخ به لحاظ کمی و کیفی مشخص می‌کند که پیام‌های تاریخ نیز روبه ترقی است. نهایت پیام‌های تاریخی در تمدن‌های ساده و ابتدایی عبرت و انداز قومی از قوم دیگر بوده‌است. اما هرچه تاریخ و تمدن‌ها پیش می‌رود، پیام‌ها همگانی‌تر و انسانی‌تر شده و این بار تاریخ رو به همه‌ی نسل‌های آینده سخن می‌گوید، که محدود به قوم، ملیت و زمان خاص نبوده‌است. پس معیار ساده و پیشرفته بودن تمدن‌ها از نگاه مقدسی، به وسعت پیام و صیت آنها و گستره مخاطبان نیز بستگی دارد. در

حالی که پیام قوم عاد برای قوم ثمود به مثابه پیام‌های تاریخ در اقوام اولیه بسیار مختصر می‌باشد. برای نمونه مقدسی آیه‌ای از قرآن کریم می‌آورد: «به خاطر بیابورید که شما را خلفا گردانید پس از عاد و جایگزینتان کرد در زمین»؛ (همان، ج ۳، ۳۴) این در حالی است که پیام تاریخ "یا ایها الناس" بسیار گسترده است (همان، ۳۶). این پیام شامل تذکرات درباره هجرت و حرکت در زمین و شناخت اقوام پیشین و حجت، تجربه و عبرت گرفتن از آنان است. هم چنین توصیه به اندیشیدن و خردورزی در زندگی و علل سقوط و نابودی تمدن‌های پیشینان، که نشانه‌های راه و شاخص برای بنی آدم است، شیوه‌های نجات از مهلکه‌های تاریخ و چگونگی ارث بردن زمین از راه حق بر آن حکمفرما و فرمانرواشدن است. گاهی، نتایج گرفته شده است؛ اما در پایان، نتایج بسیار کلی‌تر و جامع‌تر است. نتایج حرکت و رفتار بنی اسرائیل در تاریخ، شیوه‌های فضیلت یافتن و شیوه‌های رذیلت یافتن آنان پس از رسول اکرم و عصرهای بعد و نتایج نه‌آیی آن، برای کُل انسانها و انذار برای ستمگران (همان ۳۶، ۱۵، ۱۱۰، ۷۷، ۶۵، ۶۰، ۴۶، ۴۵، ۳۷، ۱۱۴). پیام تاریخ به انسانها با عبارت "ان فی ذلک لآیة؛ همانا در آنها آیاتی است" آمده، مقدسی حضور خود پیامبر رانیز آیت و نشانه‌ای برای این مهم می‌داند چنانکه می‌گوید: «ألم یکن لقریش آیه عجب / فیما یقول بحیراء و عداس؛ / یادار آنچه بحیرا و عداس گفته اند، برای قریش آیت و نشانه‌ای نیست» (همان، ج ۵، ۱۳۴). تاریخ، رسالت خویش را تابی نهایت، برای هر قوم بیان کرده است و با خطاب‌هایی چون "یا ایها الذین آمنوا الذکر و نعمت اللہ علیکم اذ هم قوم بیسطوا الیکم ایدیهم؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید نعمت خداوند را بر خویش فرا یاد آرید، آن هنگام که قومی خواستند دست به سوی شما بکشایند، یا للرجال لمظلوم بضاعته؛ کجا این مردان که یاری ستم‌دیده‌ای کنند، "یا ایها الناس؛"، "یا بئی آدم؛" بگویند آنان ای رسول ما، چرا در زمین سیر نمی‌کنند و چرا تعقل، تفکر، تدبیر نمی‌کنند "حجت خویش را دائمی ساخته است (همان، ج ۵، ۱۴۰-۱۳۷). این رویکرد بیانگر آرمان شهر بیست که ظلم و ستم در آن برچیده و انتظاری ابدی برای برقراری عدالت و گسترش اسلام در جهان را رقم می‌زند. مقدسی با ذکر کردن قیام‌هایی که بر علیه دستگاه خلافت روی داده که بارزترین آنها قیام امام حسین (ع) و قیام‌هایی که به خونخواهی ایشان صورت گرفت نظیر قیام مختار به گونه‌ای در این وادی قدم گذارده و کتابش حول این محوری چرخد. اختصاص دادن فصولی از کتاب به اثبات خداوند، اثبات رسالت، سیر آفرینش، نشانه‌های فانی بودن، نشان از آن نقطه جاوید و سیر تکاملی دارد.

### نگرش درون دینی و برون دینی

مقدسی تحت تاثیر فضای مذهبی عصرش گرایش‌های دینی خود را بروز داده است. بینش دینی او را می‌توان از دو منظر درون دینی و برون دینی تحلیل کرد. در منظر درون دینی او از هویت مذهبی خود برای تحلیل داده‌ها و وقایع بهره می‌گیرد و با نگاه قدسی به پیامبر (ص) رسالت ایشان را امامت و امانت الهی دانسته است. مقدسی یک فصل از کتابش را به رسالت و نبوت اختصاص داده و از همان ابتدا و مقدمه بحث منکران پیامبران را به دو گروه براهمه و معطله تقسیم می‌کند. نبوت و صدق انبیا را ضروری و اعتقاد به این دو را سبب یقین دانسته که فرد را از لغزش‌ها مصون نگه خواهد داشت (همان، ۱/ ۱۱۳). در اندیشه او خداوند با فرستادن انسان‌های شایسته همچون پیامبران به صورت مستمر تا زمان پیامبر اکرم (ص) که به نوعی باید بگوییم واسطه فیض هدایت با بندگان هستند، مسیر تکامل و رشد انسان را در نظر داشته داشته است. (همان، ۱۱۱). مقدسی خاطر نشان می‌کند عقل و اندیشه هر چند شرط لازم برای رسیدن به کمال است اما آن را کافی نمی‌داند و اذعان دارد که بایستی عقل و خرد با شریعت همراه گردد که مقصود اصلی حاصل شود (همانجا). وی آمدن پیامبران متعدد را به این خاطر می‌داند که آنها دین الهی را درخور فهم و اندیشه انسان‌ها کنند و متناسب با درک آنان سخن گویند و اینکه معتقد است «همه پیامبران از یک چراغ نور می‌گیرند» (همان، ۲) که شایسته نمی‌داند این نور در اصل دیانت و یکتاپرستی اختلاف ایجاد کند. ضمن آنکه در این زمینه به آیات قرآن استناد می‌جوید «پیامبری نفرستادیم جز به زبان قومش تا بتواند برای آنان به روشنی بیان کند» (همان، ۳). در نگاه مقدسی، دین ابراهیم نیز آیین فطرت و خرد است و اهل هیچ دیانتی نیست مگر اینکه به دین ابراهیم معتقد و در دعای خود از او از او یاد می‌کنند و خداوند تمامی انبیاء خود را ملزم به پیروی از او دانسته، و بدین گونه بر حقانیت و درستی آن صحنه می‌گذارد (همان، ج ۳، ۵۰). از دیگر جلوه‌های علایق دینی مقدسی که تقریباً در سراسر کتاب مشهود است اشاره به اماکن مذهبی و مساجد و جایگاه آنهاست. وی با عنوان مساجد بزرگ مهم‌ترین آنها را ذکر می‌کند. به عنوان نمونه به مسجد کوفه، مسجد بصره، مسجد دمشق که آن را از شگفتی‌های جهان می‌داند مسجد جامع نیشابور، مسجد ضرار و به ساخت مسجد قبا و شکستن بت‌ها که پیامبر (ص) آن را بنیان نهاد و نخستین جمعه که در آن نماز گزارده شد توجه دارد (همان، ج ۴، ۸۵/ ۸۹؛ ج ۵، ۴۷). در ادامه این علایق دینی مقدسی توجه ویژه‌ای به احکامی نظیر طهارت، وضو، روزه، زکات، حج، حکم‌های شرعی در این زمینه دارد. وی عبادات را وسیله‌ای برای منفعت و مصلحت آدمی می‌داند (همان، ج ۵، ۴۶-۵۵). وقایع نویسی مقدسی مربوط به اختلافات مذهبی بهترین توصیف شریعتمدارانه است که از نظر روشی متنی زنده و پویا و از نظر

محتوا مبتنی بر ارزش داورهای دیندارانه است به گونه ای که همه بینش ها و نگرش ها امکان ابراز وجود دارند که به کمک عقل و خرد می توان به حقیقت دست یافت. پرداخت به عقاید حرانیان، صابئیان، یهودیان، مسیحیان و مجوسیان در اثر او و آشنایی اش با زبان های مختلف عربی، عبری، سریانی و فارسی نشان دیالوگ چند فرهنگی در کتاب اوست. البته او شرط صحت روایات از اقوام و شرایع دیگر را عدم تعارض با نص قرآن دانسته است و بدین وسیله از اصل برجسته سازی و حاشیه رانی بهره می گیرد. بینش شریعتمدارانه مقدسی در توصیف و تحلیل حوادث و تحلیل آنها مربوط به شیعیان دوگانه است معیار او ارادت ورزی و تبعیت سیاسی ست او شیعیان امامی را میانه رو و صلح طلب قرار داده است. موضوع انتقادی برون دینی مقدسی در قبال ملحدان و خرافه گویان تجلی یافته است. او با نگاهی دین باورانه به اجتماع پیرامون خود نگریسته است انتقاد دینی وی از وضعیت اجتماع از آنجا ناشی می شود که وی جدال ارباب معرفت را نکوهیده است و سرازیر شدن خرافه را دلیل نگارش کتاب خویش می داند. همانطور که جسته و گریخته اشاره شده است در مقدمه خویش بدین امر توجه دارد: «کژروان و کژرهان، از برای فریب کم خردان، فراز آمده اند و گمشدگان طریق حق، از رهگذر بحث در مبادی آفرینش و بنیادهای آن، و آنچه بازگشت و سرانجام جهان است، به تباه کردن باورهای مردمان کودن پرداخته اند، به گونه ای که مایه فریب غافلان و حیرت هوش خردمندان است» (همان، ۱۸). وی به نقد آرای معطله و اسماعیلیه پرداخته و به شدت از آنها انتقاد می کند. در ادامه می افزاید ایشان قومی هستند که تمام آنچه در ادیان نهی شده مباح می شمارند و همه احکامی را که در شرایع آمده با بی بندوباری و آزادی بدانچه دلخواه شان باشد توجه می کنند. درجایی دیگر از اینان با عنوان فرقه پست کوچک، باطنیه یا باطنیه یاد می کند. به نظر می آید چون کتاب برای یکی از وزرای منصور بن نوح سامانی ست قصد دارد مخاطب یا مخاطبان را از خطر این گروه بازدارد. اهمیت نقد گرایی او تا بدانجاست که تفصیل بیشتر و نقد در باب این فرقه رابه کتاب دیگرش الدیانه والامانه ارجاع می دهد (همان، ج ۴، ۹-۳). او آداب و رسوم و باورهای دینی غلط را با داور پیشینی خرافات و اکاذیب دانسته است. به علاوه داده های تاریخ‌نگاری مقدسی که مردی دایره المعارفی ست و آشنایی اش با گاهشماری هندی باعث شده کانون توجه محققین مختلف نظیر کراچکوفسکی روسی قرار بگیرد و اثرش را فراتر از مرز کشور خاصی به تاریخ جهانی به جهت آشنایی با شرایع مختلف بدل کند. چنان که روزنتال می نویسد: «متأسفانه، تا جایی که اطلاع داریم، هیچ کس پیدا نشد تا پس از او پژوهش در تاریخ را، با روحیه ای مشابه وی، عمق و گسترش بخشد».

## پیوند شریعت و حکومت

همانگونه که می دانیم در دیدگاه مکتب سیاسی اسلام حاکم و قانونگذار اصلی خداست و پیامبران « خلیفه الله » و جانشینان خداوند در زمین هستند که در بینش مقدسی این مهم نمود دارد. او با مطرح کردن دو گونه حکومت الهی و انسانی مهم ترین شاخصه های حکومت الهی ازلی وابدی بودن آن و به قولی فناپذیری آن و مهم ترین ویژگی حکومت های زمینی را فناپذیری و موقتی بودن آنها و وابستگی قدرتشان به قدرت لم یزلی، حاکمیت الله و در نتیجه تواضع و خضوعشان در برابر آن ذکر می کند (همان، ج ۱، ۹۳-۸۶). دیدگاهی که مؤلف را در نگارش تاریخ به بی پروایی و حقیقت گویی رهنمون ساخته است. بدین ترتیب مؤلف با اعتقاد به دو سطح از اراده الهی، سطح اولی و سطح اسفل در جهان هستی بر این باور است که در دنیا علاوه بر حاکمیت اراده الهی روندی به نام حاکمیت سبب و مسبب مسلط است که در آن بدون حضور علت، معلولی به وجود نمی آید مگر آنکه علتی در ایجاد آن نقش آفرینی کرده باشد. به نظر می آید در فصل نوزدهم کتاب مقدسی در زمینه حکومت انسانی به علت یابی و سبب مسائل سیاسی به معنی اخص کلمه می پردازد و در ذهن خود به تحلیل حوادث تاریخ اسلام پرداخته و بر روی نکات کلیدی انگشت می گذارد. چهار مسأله مهمی که در تاریخ اسلام اثرگذار هستند. اختلاف امامت بعد از مرگ پیامبر که بین مهاجر و انصار روی داد، این اختلاف نیز تار و زنگار مابقی است. بعضی مردم امامت را در عموم مردم جایز می شمارند و بعضی ویژه قریش می دانند. اختلاف بر سر اهل رده را ذکر می کند که ابوبکر عقیده داشته باید با شمشیر به پیکار ایشان رفت و مسلمانان عقیده ای خلاف آن داشتند هر چند سخن ابوبکر را پذیرفتند اما اختلاف باقی ماند، چرا که بعضی از مردم عقیده داشتند که پیکار با اهل رده خطا و لغزش بوده است. اختلاف سوم در روزگار عثمان که دسته ای او را یاری کردند و دسته ای از یاری او سرباز زدند و او را سزاوار کشتن دانستند. این اختلاف هنوز باقی است و از عثمانیه کسانی هستند که او را بر ابوبکر و عمر برتری می دهند. اختلاف چهارم در شورش طلحه و زبیر، عایشه و دیگران در بیعت امام علی (ع) روی داد که می گفتند ما تو را شایسته خلافت نمی دانیم. در ادامه وی به سبک رهبری و رویکرد جامعه شناسی صلح در روابط سیاسی از سوی پیامبر (ص) به عنوان امام و رهبر جامعه که حق ولایت دارد به خصوص در غزه ها می پردازد بنابراین در نگاه او حکومت وقتی می تواند مشروع باشد که با قوانین شرع انطباق داشته باشد، چنانکه می آورد: « شریعت اسلام از قرآن و سنت است، چرا که فقیهان دین خود به تدوین آن پرداخته اند » (همان، ج ۵، ۴۷-۴۶) همسوی با این امر، در مکتب سیاسی اسلام رابطه شریعت و حکومت انفکاک ناپذیر است و رهبر کسی است که به پاسداری و حفاظت از شریعت همت

گمارد. او برای خلفای راشدین احترام قائل است. وی خلفای راشدین را به خاطر فضایلشان مدح و ثنا گفته و در ادامه نامشان عنوان "رضی الله عنه"، "علیهم رضوان" می آورد. در ادامه او حجم به نسبت معقولی را به امام علی (ع) و حوادث دوران ایشان اختصاص داده است. این درحالی است که درباره خلافت دوازده ساله عثمان که حدود سه برابر خلافت امام علی (ع) می باشد، درحجمی کمتر پرداخته است، چرا که او به عملکرد عثمان انتقاد دارد. مقدسی تغییر مشی عثمان در عمل به کتاب خدا، سنت پیامبر و شیخین، ثروت اندوزی صحابه را مایه سقوط و تباهی خلیفه می داند که ابعاد بینش شریعتمدارانه او را بیشتر روشن می کند. مقدسی رویکرد عدالت خواهانه خود را در خلافت امام علی (ع) در برخورد با خوارج و عدم شروع جنگ از سوی ایشان، مشاوره به عمر در نبرد نهاوند، پاسداری امام علی (ع) از عثمان و نامه ی او به امام با این مضمون: «مرادریاب تا پاره پاره نشدم» به کار می برد (همان، ج ۵، ۱۹۹). او ادامه این رویکرد را درباره امام حسن (ع) و صلح با معاویه و حفظ جان شیعیان تا برپایی جامعه ای عدالت گستر در قیام امام حسین (ع) نشان می دهد. بنابراین از نظر مقدسی همسوی با نظریه پردازان، قدرت خلیفه در انجام مسئولیت های حکومتی در صورت تطابق با شریعت و حفظ وحدت جامعه مطلق است (لمتون، ۱۳۸۵: ۸۲-۸۳) در غیر این صورت فرمانی بر خلاف شریعت باشد دیگر اطاعت از رهبر جایز نیست، چنانکه در رابطه با یزید نویسنده، عنوان "یزید علیه اللعنه" را به کار می برد. بنابراین در اندیشه سیاسی نیز مقدسی پایبند به شریعت است. قابل توجه آنکه وی در نقل روایت ها تحلیل خود را با معیار عقلی می آورد به عنوان نمونه در پایان روایت های شبهه انگیز آورده است: «این است روایت درست و آنچه قصه پردازان می گویند ما نمی شناسیم» (مقدسی، همان، ج ۴، ۲۲۷).

### مشیت گرایی در تفکر مقدسی

دیدگاه مؤلف در باب مساله مشیت الهی و تقدیرگرایی، بعد دیگری از بینش دینی و شریعتمدارانه وی را تشکیل می دهد. از نظر برخی از مورخان اسلامی، تاریخ مظهر اراده الهی است و انسان در آن نقشی ندارد. بر مبنای این دیدگاه، همه حوادث و دگرگونی های تاریخ ناشی از اراده خداوندی است. سابقه بحث درباره قدرت خداوند و اراده و اختیار انسان همانطور به اواسط قرن اول هجری باز می گردد (مشکور، ۱۳۸۵: ۴۴). در این فراز و فرود، غلبه تفکر تقدیرگرایی به مثابه حاکمیت مشیت الهی در سرنوشت انسانی بر محتوای تاریخنگاری تأثیر گذاشت. این در حالیست که توجه به موقعیت و منزلت انسان، یا به بیانی دیدگاه انسان شناسانه یکی دیگر از ابعاد منظومه فکری مقدسی را تشکیل می دهد و او را عالی ترین مرتبه آفرینش

می‌داند. درک و برخورد مقدسی از انسان شناسی دینی، متناسب با فهم مردم عادی و تمثیل‌ها و بهره‌گیری از امثال حقیقت است. او از نظر عشق و عرفان، انسان را فانی در عشق حق می‌داند که برای خود وجودی را متصور نیست. از این رو در رابطه‌ی انسان با خدا بیگانگی‌ها و دوگانگی‌ها رنگ می‌بازد (مقدسی، همان، ج ۱، ۱۰۷). از طرف دیگر مقدسی علاوه بر آنکه یک موضوع را، از نظر گاه‌های مختلف بیان می‌کند، از قبیل تمامی موضوعاتی که سیر کتاب وی دارد: از جمله آفرینش، پایان جهان، نفس، روح و مسائلی از این دست به تفکیک مراتب و درجات آن از منظرهای مختلف می‌پردازد، درباره‌ی قضا و قدر نیز همین رویه را در پیش می‌گیرد.

### قضای محتوم

از نظر مقدسی قضای حتمی، همان اراده قطعی خداوندی است. وی در لابه لای برخی شخصیت‌های تاریخی به این مورد اشاره می‌کند. برای نمونه او به بیماری طاعون در کوفه اشاره می‌کند که مغیره بن شعبه از آن شهر می‌گریزد و زمانیکه بیماری فروکش می‌کند بازمی‌گردد اما بیماری طاعون او را در برمی‌گیرد و از قول اعرابی اینگونه می‌آورد: «فان كنت قد لا قیت هامان بعدنا / وفرعون فاعلم ان ذالعرش منصف؛ اگر هامان و فرعون را پس از ما دیدار کردی، بدان که خداوند عرش انصاف‌دهنده است» (همان، ج ۶، ۳). همسوی با این امر درباره‌ی مرگ عمرو بن عاص می‌آورد: «ألم تر أن الدهر أذکی عیونه / علی عمرو السهمی تجبی له مصر / ولم یغن عنه کیده واحتیاله / وحیلته حتی أوتیح له الدهر؛ ندیدی که روزگار چگونه بر عمرو سهمی، چشم خود را تیز کرد، آنکه مصر را خراجگزار بود و نیرنگ‌ها و چاره‌گریهای او هیچ سودش نداد، تا آنگاه که روزگارش مجالی داده بود» (همان، ۵-۳). مؤلف آنجا که به معرفی شخصیت حجاج می‌پردازد هرچند باتکیه به نقل قول دیگران وی را بلایی می‌داند که خداوند (عذاب خدایی) به دعای عمر بن خطاب، بر سر مردم عراق فرو فرستاده است. در ادامه بیان می‌کند که از بسیاری شنیدم این بلا به نفرین علی (ع) بود. نکته درخور توجه که رنگ این گونه بینش را در اندیشه مؤلف بارز می‌کند اینکه وی در پایان این ماجرا واکنش رویدادها، عبارت والله اعلم خدای بهتر می‌داند رابه کار می‌برد (همان، ۲۷). مرگ حجاج از زبان همسرش هند دختر اسماء نیز می‌گوید: «الا یا ایها الجسد المسجی / لقد قرت بمصر عک العیون / فلما مت سلمک القرین؛ و کنت قرین شیطان رجیم؛ ای پیکر در جامه پوشیده، با مرگ تو چشمها روشنایی گرفت، تو قرین شیطان رجیم بودی، و چون مردی، آن قرین، بر تو درود فرستد» (همان، ۳۹). وی به هنگام صحبت از حکومت عمر بن عبدالعزیز با تکیه بر نقل قول‌ها وی را اشج (سرشکافته بنی امیه) می‌خواند که قرار است مهدی باشد که جهان را از عدل و داد پر کند (همان، ۵۲). وی در کنار این موارد به شهادت حضرت

علی(ع) نیز اشاره می کند که ایشان به مسجد آمد و خفتگان را بیدار کرد و با پایش به این ملجم زد و بدو گفت: «برخیز، می بینم که توهمان کسی باشی که به گمانم می رسد» (همان، ج ۵، ۲۳۱).

مقدسی در پرداختن به عذاب و پاداش این دو را به موازات هم به کار می برد. عذاب خداوندی را برای ستمکاران می داند و برگذرا بودن جهان مادی و اینکه جهان سپری است اشاره و کسانیکه این حقیقت را نپذیرند سفیه می خواند. در فصل هفتم درباره دنیا می گوید «از این روی دنیا را دنیا خوانده اند که به خلق دُئودارد یعنی نزدیک است و آخرت را آخرت خوانده اند تا آنگاه که دنیا فانی شود» (همان، ج ۲، ۶۲-۵۸) و هرچه را فانی است دنیا و هرچه فانی نگردد آخرت خوانده است و مثال هایی می آورد: «کسی که جوانی اش سپری می گردد، مال و جاهش تباه شود، یا بمیرد گویند دنیای او سپری شده است» (همان، ۶۰). وی هر چیز رونده و فانی را دنیا، خوانده است. مقدسی در پایان فصل نهم به نصیحت برمی خیزد پس ای بندگان خدای، بپرهیزید از نفس و خواهش های نفسانی و آدمیان را به دین و چنگ زدن بدان فراخوانده است. از نظر او ایمان نقطه روشن و شفاف وجود انسانی است. همسوی با این امر به مضمون سفینه نوح در اثر وی می توان پی برد چنانکه، پیغمبر فرمود داستان اهل بیت من داستان سفینه نوح است هر که در آن نشیند نجات یابد و هر که از آن سرباززند هلاک شود. (همان، ج ۳، ۲۶-۲۵). آن گونه که برمی آید، مقدسی دیدگاه واحدی در برابر نقش قضا و قدر و جبریت تاریخی در جامعه بشری اتخاذ نکرده است. دیدگاه وی در توضیحات و تحلیل های خود، از تأثیر قضا و قدر (حسن زاده، ۱۳۸۰) و ناگزیری آن در پدیده ها، تا اختیار انسان واراده و در رویدادهای تاریخی در نوسان است. اگر بخواهیم حجم این دو نظریه را بسنجیم حجم عباراتی که وی در ارتباط با قضا و قدر به کار می برد هر چند بیشتر است اما در عین حال وی به نقش اراده و اختیار انسانی نیز معتقد بوده و سعی داشته این دو را به موازات هم به کار ببرد. مقدسی به سنت و مشیت الهی توجه می کند و از عبارتهای عربی «والله اعلم، فلم یكونو یجیزونه الا الله تعالی، هو انکونه مکون، هو غیره غیر معدوم ولا محدث، هو الباری ء جلّ جلاله، احسن التقدير واکمل التدبير» (همان، ج ۱، ۸۵ و ۶۵ و ۶۳ و ۵۶) استفاده می کند.

### قضای مشروط

در این نگرش که مدیریت عام خداوند را شامل می شود و دیگر آن قطعیت را ندارد و در واقع برای انسان و تلاش و کوشش او نقش و اهمیتی درخور قایل است که در اندیشه او تقابلی بین طراحی خداوند و تلاش آدمی وجود ندارد (همان، ج ۱، ۲۵-۲۳) که این امر خود به نقش اراده و اختیار انسان در نزد مؤلف بازمی گردد. مقدسی در پرداختن به فرقه مجبّره درباره این مبحث

واکنش نشان می‌دهد و از ملاقات خود با ابوالعباس سامری در مرو که معتقد بوده خدای تعالی از ابتدا کافر را کافر و مومن را مومن آفریده یاد می‌کند که مقدسی به شعر می‌گوید: «سیلی بزن به رخساره مردجبری که به سرنوشت شوم راضی است / و چون بگوید، چراسیلی زدی بگوچنین مقدر شده بود» (همان، ج ۵، ص ۱۴۶). و ابوالعباس در پاسخ وی گوید: «آری پروردگار مجبار است و جبرکار اوست / و آن کس که به اراده او مجبور شده در رستاخیز او را دیدار می‌کند» همان، ۱۴۷-۱۴۶). همسوی با این امر وی به اهمیت قلم و کتابت پرداخته در حدیث هم آمده که قلم نخستین آفریده خداوند است (أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْقَلَمَ) به نظر نگارنده منظور از قلم، قلمِ صنُع یا قلمِ آفرینش است که بر لوح محفوظ به حرکت در آمده و هستی و کاینات را رقم زده است. به نظر می‌رسد، مقدسی پس از قلم، به آفرینش افلاک اشاره کرده است. در اندیشه مقدسی لوح محفوظ به معنای این است که هر کس نتیجه عمل و کردار خود خوب یا بد را خواهد دید. در واقع در پدیده‌ها و امور عالم ذات هر چیزی هویت آنرا آشکار خواهد کرد (همان، ج ۱، ۱۶۴-۱۶۱) مقدسی در پرداختن به داستان پیامبران نظیر نوح و یا لزوم خود نبوت نیز به لفظ آزمایش اشاره کرده و همه این امور را نشانهٔ مصلحت خداوندی دانسته است که چنین فهمیده می‌شود اگر کجی، ناروایی، باطل و ناموزونی در عالم مشاهده می‌شود، این نتیجه اعمال خلاف ما آدمیان است و این جهان از اصل درست ساخته شده است. مقدسی می‌گوید حتی کیفر الهی هم به سود آدمی است و بر اساس وعده فرمان خداوند هریک از مردمان که به دین خدا لبیک گوید را مژده پاداش و هر که از آن سرپیچی کند وعده کیفر داده است و عقیده هر دینورزی را بر این مبنا قراردادده است و تنها کسانی که این امر را منکر شده‌اند را معطله می‌داند (همان، ج ۴، ۹-۲). بنابراین با توجه به مطالب گفته شده، مقدسی برای تاریخ نویسی خود دو فایده دنیوی و اخروی برمی‌شمرد. فایده دنیوی البدء و التاريخ، واقع بینی در قبال رویدادهای تاریخی اصل قرار دادن حقیقت و تلاش برای فهم آن، تصمیم گیری درست به کمک قوه ی عقل، عقلی که وی آن را مادر همه دانشها می‌داند. فایده اخروی نیز به نحوی دیگر در شناخت قضا و قدر و تجلی اراده ماورایی در زمین خاکی و تکاملی بودن مسیر است و با مطالعه تاریخ که در نگاه او علمی از نوع بحث و جستجوست شک و بدبینی از بصیرت او مرتفع می‌گردد و رویدادها و تقدیر قابل شناخت می‌گردد.

### اراده و اختیار انسانی

چنان که دیدیم، مقدسی در جایی به آزادی انسان اشاره دارد و هر گونه جبر و اجباری را برای انسان رد می‌کند. در جایی دیگر با طرح مسأله تقدیر گرایی که به قضا و قدر منجر می‌شود به گونه

ای انسان را مقید و مجبور تلقی می کند پرسشی که از این منظر به وجود می آید این است که آیا آزادی مطرح شده توسط مقدسی با تقدیرگرایی و بحث قضا و قدر منافات دارد یا خیر؟ از نظر مقدسی انسان یعنی انتخاب و اختیار کردن، انسان یعنی به جنگ اجبار و ضرورت و تحمیل شرایط برخاستن انسان چاره‌ای جز انتخاب و اختیار ندارد. از نظر مؤلف خدا انسان را هدایت می‌کند، به وسیله‌ی اراده و اختیار که موجب اتخاذ تصمیم است. زیرا اراده و اختیار انسان به وجودی یگانه متصل است. برای نمونه همانطور که ذکر شد به هنگام سخن از مجبره دیدگاه خویش را در این زمینه بیان می‌کند. آشنایی مقدسی با علم نجوم باعث نمی‌شود که وی به تاثیر شرایط کیهانی در سرنوشت انسانی به عنوان سرنوشت مقدر معتقد شود.

با توجه به گفته‌ی مقدسی اراده‌ی الهی و اراده‌ی انسان بصورتی نیست که مخالف هم باشند بلکه هم جهت هم و در طول یکدیگر به تکامل انسانی کمک می‌کنند. در نگرش او ضمن حفظ احترام و استقلال برای انسان، آن را وابسته به وجود یگانه الهی می‌داند. در واقع او با کلید گذاشتن بر لطف الهی آن را فراگیر دانسته که به کمک انسان آمده و این لطف از طریق ایمان و قدرت انتخاب انسان، جنبه و نمود عینی پیدا می‌کنند. به عبارتی خدا مانند معلمی است که کمک می‌کند ما با شناخت خود به قدرت اختیار و انتخابی که در فرصت‌های مختلف در اختیار ما قرار می‌گیرد به چشم توفیق الهی نگاه کنیم. برای نمونه وی در مبحث آفرینش سوالی اینچنینی مطرح می‌کند چرا حال معاند(کافر) و مجیب(مومن) یکسان است؟ در پاسخ، وی خلق امور متضاد را نشانه‌ای برای شناخت حق و نیز اختیار به انسانها دانسته، که در نتیجه آن به پاداش یا عذاب دچار می‌گردند. (همان، ج ۱، ۷۸-۷۷). اشاره به لفظ آزمایش چنانکه پیشتر آمد و لزوم نبوت خود دلیلی بر این امر است که مقدسی، انسان را موجوی مختار دانسته که نیازمند هدایت بوده و در شرایط مختلف مورد ارزیابی و امتحان الهی قرار می‌گیرد. با توجه به آنچه در بالا آمد بایستی گفت در اندیشه مقدسی مشیت الهی و اختیار انسانی همسوی باهم در حرکت هستند و لطف الهی همواره با انتخاب و اختیار انسان به کمک او می‌آید و تضادی در جمع بین این دو نمی‌بیند.

مؤلف در اهمیت مقام انسان او را گوهر نایاب عالم ملک و ملکوت می‌شمارد که عقل مهم‌ترین گوهر وجودی اوست از نظر او انسان بالاترین رتبه رادر کائنات دارد زیرا خداوند به او نفس ناطقه عاقله عطا کرده که تنها صفت انسان است. مقدسی مهم‌ترین رسالت انسان را شناخت باری تعالی و تهذیب نفس و تخلیه آن از ناپاکی‌ها و آراستن آن به زیبایی و زیورها و نهایت رسیدن به کمال می‌داند. وی نژاد همه انسانها را به آدم ابوالبشر می‌رساند و برای انسان جایگاه والایی قائل است. وی در مبحث آفرینش انسان به وجود فهم و عقل توجه دارد و چنین

می‌آورد» خداوند همه فرزندان آدم را از یک پشت بیرون آورد و از برای ایشان فهم و عقل و زبان نهاد» (همان، ج ۲، ص ۸۳). مقدسی در فصل هشتم کتاب خویش آنان را میوه جهان و عالم اصغر می‌داند، او با بحث از خلقت گیاه و بعد انسان وی را دارای نیرو و غایتی می‌داند که در دیگر موجودات نیست (همان، ۷۷). وی در جایی دیگر می‌آورد «انسان پایان کار صانع است و درست تر آنست که وی رانختین اندیشه صانع دانست» (همانجا). به خلیفه الهی بودن انسان نیز اشاره می‌کند زمانی که خداوند آدم را آفرید «خداوند فرمود ای آدم احسنت احسنت از بهر همینست آفریدم تا مرا، بستانی و تمجید کنی» (همان، ۷۸). وی در پاسخ کسانی که به تشریح سجود فرشتگان برمی‌خیزند و آدمی را از اختیار بیرون می‌دانند این گفتار را تباه دانسته و کمال را شایسته خداوند می‌داند (همان، ۸۷-۸۳). همسوی با این امر به فریفته شدن آدم و حوا باهم اشاره به گونه‌ای معتدل و منطقی روایت می‌کند و به توبه آدم و توضیح مفصل رابه کتاب المعانی اختصاص می‌دهد. وی انسان را مسافر این جهان می‌داند که ناپستی به سود و زیان جهان مادی دل ببندد و انسان‌هایی را موفق می‌داند که به هر آنچه در جهان مادی وجود دارد دل نبندد و به فکر توشه راه باشد در واقع جمله هر چه را که نباید دلبستگی را نشاید در فکر و آثار او نمود عینی دارد و این گونه می‌گوید «اینکه جهان سپری است، کسانی که این حقیقت را نپذیرند سفیه‌اند» (همان، ج ۲، ۸۴-۸۳). وی بارها به انسان یادآوری می‌کند که از رویدادها درس عبرت و پند بگیرد و دلبسته زرق و برق جهان زودگذر مادی نشود؛ نقطه عزیمت خردگرایی وی توجه به انسان است.

گاهی نیز اراده و اختیار انسان را در موفقیت‌ها و شکست‌ها موثر می‌داند. سرنوشت اقوام مختلف عاد، ثمود، نوح نمونه‌ای روشن از این امر می‌باشد. بازهم در بیان اختیار بشری، در رقم زدن به سرنوشت خود به آیات قرآن استناد می‌کند. معتقد است پدیده‌های تاریخی، همه نتایج اعمال انسانی است نباید از قضا و قدر و روزگار گله کرد. گاهی در علت‌یابی پدیده‌های تاریخی، به دامن قضا و قدر متمسک نمی‌شود بلکه سعی می‌کند عملکرد ناسنجیده خود بشر را عامل بروز بدبختی به شمار آورد. برای نمونه در داستان نوح به مضمون این آیه اشاره می‌کند: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» (همان، ۱۸)؛ بنابراین با توجه به ویژگی‌ها و صفات انسان برگزیده از سوی نویسنده، خصوصاً تأکید وی بر مسئولیت‌پذیری انسان در کسب فضایل و تلاش وی در زدودن ناپاکی‌ها و زشتی‌ها و رسیدن به کمال، نباید دیدگاه انسان‌شناسانه مقدسی را مشیت‌گرایی تلقی نمود. چرا که از نظر او انسان برتر، موجود منفعل و بی‌اراده نیست که دخالتی در سرنوشت خود نداشته باشد بلکه به عکس، انتظار او از انسان مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری است.

بر پایه آنچه گفته شد، مقدسی بر مبنای رویکرد خردگرایانه، روش خویش را در تحلیل تاریخ بردو

اصل تعلیل و انتقاد استوار ساخته است. مقدسی، بدین نکته اعتراف می‌کند انسان خردمند از سه حال بیرون نیست: یا عقیده‌ای برحق دارد، یا برباطل، یا مردداست و شک دارد بنابراین سزاوار نیست کسی در شک و دودلی بماند، چراکه شک حاصل نادانی و برابری علت‌ها است، که نتوانسته چیزی را حق بشمارد یا باطل کند (همان، ج ۴). لذا دیدگاه کلان‌نگرانه مؤلف در تبیین و تفهیم تاریخ نیز بر همین پایه استوار است چنانکه گستره وسیع جغرافیای مورد نظر مورخ در تبیین تاریخ و تأکید بر شناخت و تحلیل تاریخ ملل دیگر با تفکرات دینی متفاوت حاصل این بینش خردگراست.

در منظومه فکر خردگرای مقدسی، غایت انسان رسیدن به سعادت ابدی در جهان مادی و غیرمادی است، که تحقیق آن را منوط به اراده انسانی می‌داند. تحلیل‌های اخلاقی مقدسی از وقایع و رویدادهای تاریخی در قالب عناوینی مانند «وهوالی مکارم الاخلاق داع وعن الدناء ناه» در اشاره به کتاب خویش «کتابی است که به اخلاق نیک فرامی‌خواند و از پستی و فرومایگی بازمی‌دارد»، «ونصحا لمن احتاط لدینه نصیحتی باشد برای کسانی که در کاردین احتیاط می‌کنند» یا بدون عنوان مشخص در پایان شرح و تحلیل هر رویداد تاریخی همه موبد این نظر است. وی درجایی مردد است کلام الله را ملاک توجه قرار داده و بدان ارجاع می‌دهد (همان، ج ۱، ۱۲۶-۱۲۵). آنچه بیان شد نمونه‌هایی از تأثیر رویکرد خردگرایانه مؤلف در تأکید به اراده و اختیار انسانی در تبیین و تفهیم تاریخ و در نتیجه نگارش آن و روش تاریخنگاری اوست. اما برای دستیابی به آنچه به شکل انتزاعی در کلام نویسنده و در تأکید وی بر عقل و عقل‌گرایی جاری است، می‌توان نمونه‌های برگزیده زیر را ذکر نمود: مباحث نظری، از جمله تبیین جایگاه عقل در آفرینش هستی (یا ذکر دآفرینش و مراتب آن) و دیدگاه انسان‌شناسانه وی در خصوص منزلت انسان و بلند رتبه بودن او در میان کائنات و تأکید او بر خردگرایی انسان می‌باشد، نکته مهم دیگر آن است که مقدسی در بسیاری از بخش‌های اثرش خردمندان را مورد خطاب قرار می‌دهد. تکرار این مسأله به حدی است که اثبات می‌کند او اثرش را برای این گروه نوشته است. دیگر آنکه بر اساس همین رویکرد خرد راوسيله ای برای صحت و سقم وقایع تاریخی قرار می‌دهد، بدین معنی که در تجزیه و تحلیل هر رویداد تاریخی، عقل را محور درستی یا نادرستی می‌داند و به بیان آن می‌پردازد (همانجا). وی با عناوینی چون اهل فضل و تحصیل، اهل دین، اندیشمندان را مورد خطاب قرار می‌دهد.

## نتیجه گیری

در رویکرد دین باورانه مقدسی، شاهد رابطه بینش شریعتمدارانه با مشیت الهی هستیم. شایان توجه است که نگرش شریعتمدارانه مقدسی موجب نشده او گرفتار رویکرد مشیت گرایانه مطلق یا جبرگرایی شود، رویکرد واقع گرایی و انتقادی او را از تحلیل صرف با معیارهای ماورایی باز داشته و به سوی تبیین و تحلیل رویدادها سوق داده است. از این رو می توان گفت او مورخ شریعتمداری است و نگرش تاریخی او در میانه نگرش مشیتگرا و نگرش انتقادی علی با معیار عقلی است، وی در بسیاری از موارد فرا مذهبی به مسائل نگریسته است. مقدسی با دو نگرش درون دینی و برون دینی بینش شریعتمدارانه خود را با نگاه فقیهانه و احکام مدارانه در پرداخت به دستورات و احکام شرعی، علایق دینی، رد ملحدان و خرافه پرستی شکل داده است. او حاکمیت الهی را نه با نگاه جبری، بلکه با نگاه توأم با مصلحت که مسیری رو به تکامل داشته و غایتی سعادت بخش را نوید می دهد، نگریسته است. قضا و قدر نیز برای مقدسی از چند جنبه قابل تأمل بوده است؛ یکی از منظر شرایط عصر و زمانه مقدسی و دیگری شناخت عمیقی که وی از انسان شناسی دینی دارد. وی در تلاشی قابل تقدیر، جبر منفوری که در جامعه وجود دارد را تعدیل کرده و در عین حفظ قدرت بی مانند الهی، اختیار را به عنوان اهرم پیش برنده در تصمیم های مهم زندگی برای هر انسانی محترم داشته و آن را محفوظ می دارد. به عبارت دیگر مقدسی سعی داشته در این طرز تفکر مشیت الهی واراده و اختیار انسانی را در تاریخ جمع و این دو را به موازات هم بافراز و نشیب کمتر دنبال کند. در واقع مقدسی با دو رویکرد قضای محتوم و قضای مشروط اراده ی خداوند را در طول اراده ی انسان معرفی کرده و تضادی در این امر نمی داند که باعث به وجود آمدن دو گونه فایده دنیوی و اخروی برای تاریخ نویسی او شده است.

## منابع و مأخذ

- آلدومیه لی (۱۳۷۹) علوم اسلامی و نقش آن در تحول علمی جهان، ترجمه محمدرضا شجاع رضوی و اسدالله علوی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس.
- بهار، مهرداد (۱۳۴۵) پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: آگاه.
- بهار محمدتقی (۱۳۸۰) فشرده سبک‌شناسی، تهران: روزگار.
- بختیاری، شهلا (زمستان ۱۳۸۵) فلسفه و تاریخ در البداء و التاريخ مقدسی. قیسات، شماره ۴۲. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی.
- بختیاری، شهلا، نظری ایلخانی آبادی، طاهره (۱۳۹۰) بینش معرفت‌شناسانه در تاریخ‌نگاری مطهر بن طاهر مقدسی. تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، ۲۱(۷)، ۱-۲۴. doi: 10.22051/hph.2014.846
- تولایی، فائزه (مرداد ۱۳۸۷) بازتاب یادگار تمدن ایرانی-اسلامی، کتاب ماه تاریخ و جغرافی، شماره ۱۲۳.
- ترحینی، محمداحمد (۱۹۹۶م) التاريخ و المورخون عند العرب، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله (۱۳۷۵) تاریخ نیشابور، ترجمه محمدحسین خلیفه نیشابوری، تصحیح محمدرضا شمس‌فیعی کدکنی، تهران، آگه
- حسن زاده، اسماعیل (۱۳۸۰) اندیشه مشیت الهی در تاریخ‌نگاری اسلامی: مطالعه موردی، تاریخ جهان‌نگشای جویبی، تاریخ اسلام، سال دوم، شماره ۵.
- ثعالی نیشابوری، عبدالملک بن محمد بن اسماعیل (۱۳۶۸) تاریخ ثعالی مشهور به غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم، تهران: نقره.
- صائب، عبدالحمید (۲۰۰۱م/۱۴۱۲هـ) علم التاريخ و مناهج المورخين. بیروت-لبنان: الغدير.
- جبوری، عبدالله (۱۳۸۵هـ/۱۹۶۵م) فهارس کتاب البداء و التاريخ، للمطهر بن طاهر مقدسی، بغداد: مطبعة المعارف.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۶) منابع تاریخ اسلام. قم: انصاریان.
- کارل بروکلیمان (بی تا) تاریخ ادب العربی، ترجمه عبدالحلیم نجار، قم: دارالکتاب الاسلامی.
- سرکیس، یوسف الیان (۱۴۱۰) معجم المطبوعات العربیة و المعربة، قم: افسست کتابخانه آیه الله مرعشی.
- کحاله، عمر رضا (۱۹۵۷) معجم المؤلفین، تراجم مصنفی الکتب العربیة بیروت: دارالتراث العربی.

روزنتال، فرانتس (۱۳۸۵) تاریخ تاریخنگاری در اسلام، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

رادمنش، عزت الله (۱۳۸۷) "مکتب تاریخی قرآن"، تأملاتی در علم تاریخ و تاریخنگاری اسلامی. به کوشش حسن حضرتی، قم: بوستان کتاب.

رضوی، سید ابوالفضل (زمستان ۱۳۸۵) بینش و نگرش در تاریخنگاری اسلامی مطالعه موردی تاریخنگاری مقدسی. قیسات، شماره ۴۲. قم: مرکز پژوهش های اسلامی.

رضوی، سید ابوالفضل (بهار ۱۳۸۸) جایگاه تاریخ در علم مشاء. فصلنامه تاریخ اسلام، سال دهم، شماره ۳۷، قم: موسسه آموزشی باقرالعلوم.

رضوی، مسعود (هشت آذر ۱۳۷۴) تصویر عقلانی یک تمدن، روزنامه همشهری، شماره ۸۴۶.

زکلی، خیرالدین (۱۹۸۶) الأعلام، قاموس تراجم، بیروت.

انصاری، خواجه عبدالله (۱۳۶۲) طبقات الصوفیه، به کوشش حسن آهی، تهران: فروغی.

کردعلی، محمد (۱۳۲۶/۱۹۰۸) مطبوعات ومخطوطات کتاب البدء والتاریخ، المقتبس، مجله ادبیه علمیه اجتماعی، القا ره.

صیامیان گرجی، زهیر، موسوی سیانی، سعید (پاییز و زمستان ۱۳۹۵) البدء و التاریخ روایت /تفسیری از بافتار فکری جامعه اسلامی در قرن چهارم هجری، دوفصلنامه علمی پژوهشی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهرا، سال بیست و ششم دوره جدید، شماره ۱۸ پیاپی ۱۰۳.

پور عبادی، خضر، فرهمند، یونس (بهار و تابستان ۱۳۹۲) خردگرایی یا نص گرایی در البدء و التاریخ، تاریخ و تمدن اسلامی، سال نهم، شماره هفدهم.

سزگین، فواد (۱۴۱۲ هـ ق) تاریخ التراث العربی، نقله الی العربیه محمود فهمی حجازی و جماعه اخری، قم: افست کتابخانه آیه الله مرعشی

جورج، سارتون (۱۳۸۳) مقدمه بر تاریخ علم، ترجمه غلامحسین حیدری، تهران: علمی.

سرکیس، یوسف الیان (۱۴۱۰) معجم المطبوعات العربیه والمعربیه، قم: افست کتابخانه آیه الله مرعشی.

جبوری، عبدالله (۱۳۸۵ هـ / ۱۹۶۵ م) فهارس کتاب البدء و التاریخ، للمطهرین طاهر مقدسی، بغداد: مطبعه المعارف.

جامی (۱۳۷۰) نفحات الانس. تهران: اطلاعات.

کرلوا لفو نسو نلینو (۱۳۷۷) تاریخ نجوم اسلامی، ترجمه احمد آرام، تهران: نشر پژوهشهای اسلامی.

کریستن سن، آرتور (۱۳۶۳) نمونه های نخستین انسان ونخستین شهریار در تاریخ افسانه های ایرانیان، تهران: نشر نو.

لمتون، آن (۱۳۸۵) دولت و حکومت در اسلام، ترجمه مهدی فقیهی، تهران: شفیعی.  
 مشکور، محمدجواد (۱۳۸۵) تاریخ شیعه و فرقه های اسلام تا قرن چهارم، تهران: اشراقی.  
 مقدسی، مطهرین طاهر (بی تا) البدء والتاریخ، بورسعید: مکتبه الثقافه الدینیة.  
 مقدسی، مطهرین طاهر (۱۳۷۴) آفرینش و تاریخ، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: نشر آگه.

هیلنز، جان راسل (۱۳۸۳) شناخت اساطیر ایران، ترجمه باجلان فرخی، تهران: اساطیر.  
 یارشاطر، احسان، بازورث، ادموند و دیگران (۱۳۸۱) حضور ایران در جهان اسلام، ترجمه فریدون مجلسی، تهران: مروارید.

Camill, adang. (۱۹۹۶) muslim writers on judaism & Hebrew bible from ibn Rabban to ibn Hazm. e. j. brill Leiden, Neyoyork.

Morony, M. (۱۹۸۹) Al-Badwal Tarikh, Encycolopedia Iranica, volume III, London and New York .